سردار شهید حسین سلامی
عاشق امام حسین(ع) و خادم اربعین

کامران پورعباس

پاسدار شهید سردار سرلشکر حسین سلامی، عاشق امام حسین(ع) و خادم خستگی‌ناپذیر اربعین حسینی بود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هر سال با مدیریت و نظارت و تدابیر ویژه سردار سلامی با تمام ظرفیت به زائران اربعین حسینی در ایران و عراق خدمات‌رسانی در عرصه‌های مختلف انجام داده است و البته این روند همچنان ادامه خواهد داشت.

سردار سلامی، این شهید خدوم و مخلص، همواره حضور خستگی‌ناپذیر و بسیار پرشوری در خدمت‌رسانی‌های سپاه داشته است. بازدیدهای مکرر از پایانه‌های مرزی، اطلاع میدانی از وضعیت خدمات‌دهی به زائران اربعین و آخرین وضعیت تردد زائران، شرک در جلسات متعدد برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی‌های اربعین در شهرهای مختلف، گفت‌وگو با جمعی از زائران و خادمان حسینی در مرزها، حضور در گیت‌های مرزی عبور زائران و گفت‌وگو با مردم، بازدید از مواکب خدمت‌رسان در مرزها و گفت‌وگو با موکب داران درخصوص پذیرایی از زائران، حضور در نقطه صفر مرزی و بدرقه زائران راهی کربلا و گفت‌وگو با زائران بازگشته از سفر کربلا و... از برنامه‌های سردار سلامی بود که گزارش‌های تصویری زیادی هم از آنها در فضای مجازی منتشر گردیده است. همچنین شهید سلامی هر سال در پیاده‌روی جاماندگان اربعین حسینی در تهران شرکت می‌کرد و عظیم‌ترین و پرشورترین سخنان و مصاحبه‌ها را در مورد امام حسین و عاشورا و اربعین در این موقعیت‌ها انجام می‌داد. به گفتهٔ دختر گرامی‌شان در برنامه بدون تعارف شبکه۲، شهید سلامی هر روز صبح را نیز با قرائت یک جزء قرآن کریم و خواندن زیارت عاشورا آغاز می‌کرد.

به مناسبت اربعین حسینی مروری می‌کنیم بر صحبت‌ها و عملکرد ممتازِ اربعینیِ شهید حسین سلامی.

بی‌نظیر بودنِ راهپیمایی اربعین حسینی

گزیده‌ای از سخنان شهید حسین سلامی به مناسبت راهپیمایی اربعین در سال‌ها و موقعیت‌های مختلف چنین است:

- راهپیمایی اربعین به عنوان اقدامی بی‌نظیر در جهان است. راهپیمایی اربعین حسینی نقطه همدلی مسلمانان و محبان امام حسین(ع) است که نمونه آن دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی با رهبر معظم انقلاب بود که مبیّن همدلی و قدرت مسلمانان است. عاشورا به یک منبع قدرت و هویت‌بخش برای ما تبدیل شده است.
- اربعین حسینی جریان بی‌پایان از احساس، ایمان، عاطفه و عشق و شور است.
- این رود بی‌پایان انسان‌هایی که از اقصی‌نقاط کشور و جهان به هم پیوسته‌اند، سال‌هاست جریان دارد و آنچه می‌بینیم موج خروشان عاطفه‌ها است که به سوی قبله دل‌ها و کربلای معلی در حرکت است.
- هرچه می‌گذرد، شاهد هستیم که عشق امام حسین(ع) قلب‌های بیشتری را تسخیر می‌کند و در تصرف خود قرار می‌دهد. بسیاری از مسلمانان و شیعیان جهان هر سال مشتاقانه‌تر از سال قبل در همایش میلیونی و جهانی اربعین حسینی شرکت می‌کنند که چیزی جز معجزه عشق به حضرت اباعبدالله الحسین(ع) نیست.
- عشق به سیدالشهدا(ع) است که هرسال عاشورا و اربعین حسینی زنده‌تر می‌شود و با وجود اینکه عاشورا متعلق به بیش از ۱۴۰۰ سال قبل است، اما همه خود را در قلب روز عاشورا و اربعین می‌بینند.
- احساس عمیقی که مردم دارند و می‌گویند کاش در روز عاشورا بودیم و در راه امام حسین(ع) تکه‌تکه می‌شدیم و جان می‌دادیم، دقیقاً در راهپیمایی بزرگ اربعین حسینی قابل مشاهده و اثبات است.
- اربعین یکی از نمادهای برجسته شکوه دین اسلام است که مردمان و محبان اهل‌بیت(ع) بعد از هزاران سال برای تکریم واقعه بزرگ و حماسه‌های ماندگار جاودان عاشورا این‌گونه پیاده مسیر طولانی را با سختی‌هایی که دارد، طی می‌کنند.
- اربعین بزرگ‌ترین حماسه فرهنگی است. هرچه زمان بگذرد حادثه عاشورا کمرنگ‌تر نمی‌شود و هر سال پرفروغ‌تر، روشن‌تر و بسیار زیباتر خود را نشان می‌دهد.
- اربعین عظیم‌ترین و باشکوه‌ترین اجتماع جامعه بشری از ابتدای خلقت تا امروز است. جهان تاکنون چنین عظمتی را به خود ندیده است. اینکه بعد از ۱۴۰۰ سال برای تکریم این واقعه بزرگ، جمعیت میلیونی راهی کربلا می‌شوند، حقیقتاً نشان‌دهنده ماندگاری این حماسه بزرگ است.

قدردانی‌های خاضعانه از خادمان اربعین

شهید سلامی اعتقاد داشت: کسانی که در این مسیر به زوار خدمت می‌کنند و در این گرمای هوا، خدمات ارائه می‌دهند، منتخبان الهی هستند که قطعاً اجر و پاداش بالایی به آنها اختصاص پیدا می‌کند. دلسوزی‌ای که در چهره خادمان این حماسه بزرگ نمایان است، همه سختی‌های سفر را برای زوار آسان می‌کند و همین حماسه‌ها و محبت‌ها موجب شده است سال به سال شاهد تراکم این اجتماع بشری باشیم.

سردار عاشورایی ما بر این باور بود: نکته مهم آن است که دست‌اندکاران این خدمات که شرایط مناسبی را برای این سفر معنوی فراهم می‌کنند، در واقع به‌عنوان منتخبان الهی، اجر و پاداش بسیار بالایی در دستگاه امام حسین(ع) خواهند داشت.

سردار عاشورایی سپاه اسلام خاطرنشان کرده بود: مردمی که در این راهپیمایی حضور دارند، دعوت شده‌های امام حسین(ع) هستند و باید مراقبت کنیم تا به بهترین نحو ممکن پذیرای زوار باشیم.

سردار سلامی، بارها خاضعانه از بوسیدنِ دست و پا و خاک پای خادمان حسینی صحبت کرده بود؛ از جمله گفته بود: واقعاً باید انسان دست و پای این عزیزانی را که خدمت می‌کنند، ببوسد، گرامی بدارد و اجر بگذارد به این همه اخلاص و صداقت و تلاش دلسوزانه‌ای که دوستان‌مان انجام می‌دهند.

و نیز گفته بود: مردم عراق نهایت محبت، عشق و مهمان‌نوازی خود را نشان دادند و ما از تک‌تک آنها تشکر می‌کنیم، دست‌ها و خاک کف پاهایشان را می‌بوسیم. امیدواریم در سلامت و امنیت باشند، ما نیز در کنار آنها هستیم.

تمام ظرفیت و توانِ سپاه در خدمت اربعین

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با پرچمداری و علمداریِ شهید حسین سلامی هر سال خدمات اربعینی‌اش را عمیق‌تر و گسترده‌تر و همه‌جانبه‌تر کرد.

سردار خدوم و مخلص ما، بارها و بارها قاطعانه و مؤکدانه، در بطن میدان بودنِ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خدمات‌رسانی اربعین را اعلام کرده بود و خودش هم از ارکان این جریان بود.

برخی تأکیدات اساسیِ شهید سلامی در این زمینه چنین است:

- امروز ما موظف هستیم که تمام ظرفیت و توان خود را به کارگیریم که این حرکت و جریان به زیباترین شکل مدیریت شود.
- تمامی ظرفیت‌های سپاه در راستای برگزاری هرچه باشکوه‌تر راهپیمایی اربعین قرار می‌گیرد و سپاه از هیچ تلاش و کوششی در راستای خدمت‌رسانی به زائران اربعین حسینی دریغ نخواهد کرد.
- سپاه تمام توان و بضاعت خود را برای تسهیل در تردد زوار اربعین و خدمات‌رسانی در همه مرزها به کار گرفته است.
- سپاه تا آخرین روزی که زائران در حال رفت‌وآمد باشند، برای خدمات‌رسانی پای کار است.
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اربعین حسینی در ایران و عراق همه امکانات و توان خود را به کار گرفت.
- کل سپاه درگیر موضوع اربعین است، تمام امکانات و بضاعت‌مان را پای کار آوردیم.
- کل سپاه پاسداران بسیج شده است تا زائران سفر آسان و روانی را داشته باشند.

سپاه هر سال خدمات‌رسانی افزون‌تر و وسیع‌تری در مسیر تسهیل راهپیمایی اربعین در ایران و عراق انجام داده است و هر سال گزارش عملکردی درخشان آن تشریح و منتشر گردیده است. به عنوان نمونه آخرین گزارش را که آخرین گزارش عملکرد دوران فرماندهی شهید سلامی هم هست، ذکر می‌کنیم.

۳۰ مرداد ۱۴۰۳، سردار علی‌محمد نائینی سخنگو و معاون روابط‌عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نشست خبری با موضوع خدمات سپاه در مراسم اربعین ۱۴۰۳، با بیان اینکه نقش اصلی در خدمات به زوار را مردم عراق به عنوان میزبان برعهده دارند، گفت: سپاه پاسداران در پرتو همکاری با ستاد مرکزی اربعین و مسئولان عراق مفتخر به خدمات به زوار بوده که این افتخار بزرگی است.

وی با اشاره به اینکه خدمات سپاه در ۶ مرز و در داخل عراق هم در عرصه‌های مختلف صورت می‌گیرد، گفت: کمک به امنیت، ترابری، بهداشت و درمان، تعزیه زوار، آموزش‌های فرهنگی، احداث زائرسرا، درمانگاه‌های صحرایی و... از خدمات ارزنده سپاه پاسداران در ایام اربعین است.

سخنگوی سپاه تصریح کرد: سپاه با افزودن بیش از هزار دستگاه اتوبوس و مینی‌بوس در مسیرهای تردد و ۲۰۰ دستگاه تریلی به ناوگان حمل‌ونقل اربعین با هماهنگی با دستگاه‌ها و مسئولان عراقی، کمک مؤثری در رفع برخی کمبودها داشته است.

سردار نائینی ادامه داد: نیروی هوافضا نیز خدماتی در انتقال زائران با ناوگان هوائی و نیز ارسال برخی اقلام را برعهده داشته است.

دانشگاه حضرت بقیةالله‌الاعظم(عج) هم به زائران در بخش درمانی خدمات می‌دهند. تأمین تجهیزات و امکانات موردنیاز موکب‌ها در مرزهای شش‌گانه و کمک به تجهیزات برخی مسیرها به درخواست مسئولان عراقی و ستاد مرکزی اربعین، از دیگر اقدامات سپاه پاسداران است.

وی افزود: راه‌اندازی ستاد اربعین سپاه در استان‌های مرزی و پشتیبانی امنیتی و خدماتی تحت مدیریت سپاه‌های استانی از دیگر اقدامات سپاه در این زمینه است.

سخنگوی سپاه تصریح کرد: با هماهنگی صورت‌گرفته با طرف عراقی و بهره‌گیری از توان حشدالشعبی، دغدغه‌ای برای امنیت راهپیمایی اربعین وجود ندارد.

راهپیمایی جاماندگان اربعین

راهپیمایی جاماندگان اربعین، هر سال در شهرهای مختلف کشور برگزار می‌گردد. در تهران، این راهپیمایی میلیونی است و با محوریت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برپا می‌گردد و چند سالی است که سردار حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه محمدرسول‌الله(ص) تهران، مسئول ستاد مردمی پیاده‌روی خانوادگی اربعین در تهران است.

برگزاری مراسم پیاده‌روی جاماندگان اربعین حسینی به سال ۱۳۹۱ باز می‌گردد؛ آن سال گروهی از بسیجیان جنوب و شرق تهران به فرمانده وقت سپاه تهران بزرگ پیشنهاد دادند که در روز اربعین حسینی از میدان امام حسین(ع) تهران تا حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) را پیاده‌روی و به محض رسیدن به این حرم در شهرری، زیارت‌نامه اربعین حسینی را قرائت کنند. این پیشنهاد مورد بررسی قرار گرفت و همان سال گروهی ۱۵۰ نفره متشکل از بسیجیان تهران بزرگ به مدت ۴ ساعت، مسیر میدان امام حسین(ع) تا حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) را در روز اربعین حسینی پیاده‌روی کردند و این کار مورد استقبال زیادی قرار گرفت. سال بعد، با تبلیغات غیررسمی که انجام دادند، موفق شدند این گروه را به ۳ تا ۵هزار نفر افزایش دهند و این روند تا سال‌ها ادامه داشت و هر سال تعداد افراد شرکت‌کننده، افزایش چشمگیری یافت.

برخی ویژگی‌ها و امکاناتِ آخرین راهپیمایی جاماندگان اربعین در سال ۱۴۰۳ از این قرار است:

- افزایش چشمگیر جمعیت نسبت به سال قبل
- استقرار بیش از ۲۵۰۰ موکب مردمی برای خدمت‌رسانی به زائران
- برگزاری بالغ بر ۶۰ نماز جماعت بزرگ و پرشکوه
- ارتقای خدمات بهداشتی و خدمات کودک و مادر
- نظم و امنیت کم‌نظیر
- پخت و توزیع ده‌ها هزار پرس غذای نذری
- برپایی استیج‌های فرهنگی، هنری و رسانه‌ای، چهارپایه‌خوانی، تعزیه‌خوانی و اجرای سرودهای با گروه‌های ۳۰ تا ۱۱۰ نفره.

و...

شهید حسین سلامی هر سال در راهپیمایی جاماندگان اربعین در تهران شرکت می‌کرد و در مصاحبه‌هایش در جریان شرکت در مراسم، معارف و پیام‌های حسینی و اربعینیِ ژرف و متینی تبیین می‌نمود.

سردار عاشورایی سپاه اسلام در راهپیمایی جاماندگان اربعین در سال ۱۳۹۸ ابراز داشت: این رودِ بی‌پایانِ عشق به امام حسین(علیه‌السلام) است که امروز در جای جای جهان اسلام به هم پیوسته. این نور امام حسین(علیه‌السلام) است که جلوه‌گر شده و این راه را نشان داده. راهی که به امام حسین ختم می‌شود و سرانجام همین رود خروشان عشق هست که بنیاد ظلم و ستم را در جهان از بین می‌برد.

امروز امام حسین به وسعت هستی عظمت پیدا کرده و این یک حقیقت جاری است در عالم که فراتر از زمان و مکان دارد پیش می‌رود و قلب‌ها را تسخیر می‌کند و چشم‌ها، چشم اشک می‌شود و همه قدم‌ها در یک مسیر به سمت یک نقطه، حسین(علیه‌السلام)، در حال حرکته و ان‌شاءالله نهضت امام حسین(علیه‌السلام) به سمت عالم‌گیر شدن دارد پیش می‌رود، جهانی می‌شود این نهضت ان‌شاءالله. من خاک کف پای اینها(مردم) را می‌بوسم، افتخار می‌کنم که سرباز کوچکی هستم و امروز احساس می‌کنم یک قطره ناچیز از یک دریای زلال هستم که به واسطه اینها ان‌شاءالله خداوند ما را هم مورد عفو و رحمتش قرار بدهد.

سردار خدوم و مخلص سپاه اسلام در راهپیمایی جاماندگان اربعین در سال ۱۴۰۰ خاطرنشان کرد: پیام اربعین این است که عاشورا یک رود خروشانی است که انتها ندارد. این اربعین، اربعینِ عشق و دلدادگی است و عاشورا یک چشمه خروشانی است از همه فضیلت‌ها که الی‌الابد جریان خواهد داشت و این رودخانه عشق و دلدادگی که شما می‌بینید نشان می‌دهد که راه امام حسین پایان ندارد. این راه همچنان ادامه دارد.

شهید حسین سلامی در راهپیمایی جاماندگان سال ۱۴۰۳ خاطرنشان کرد: جمعیت را می‌بینید، این رود خروشان و بی‌انتهائی است که از قلبها سرچشمه گرفته، به سوی اباعبدالله در حرکته و این موج تمام‌شدنی نیست. [پیام این سیل جمعیت در راهپیمایی اربعین] پیام معرفت و وفاداری به آرمان‌های امام حسین(ع) است و اینکه این راه ادامه دارد.

جنگ نوشت

در میان نسترن‌ها

مریم عرفانیان

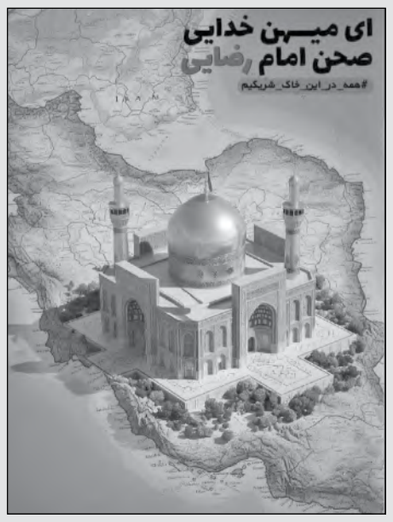

سوار تاکسی می‌شوم؛ با دسته‌ای لاله قرمز، چند شاخه نسترن شبنم‌زده و یک دسته پرچم کوچک... در را که می‌بندم، راننده آرام حرکت می‌کند. از پشت‌سر نگاهش می‌کنم؛ پیراهن خاکی‌رنگی بر تن دارد، با چهره‌ای که انگار بین دیروزهای جبهه و امروزهای شهر ایستاده...

روی صندلی لم می‌دهم، میان بوق ماشین‌ها و چراغ‌های قرمز، سبز و زرد خیابان‌ها. ناگهان صدای موسیقی ماشین مرا به دورها می‌برد؛ آوای حماسی محمد نوری در فضا می‌پیچد: «در روح و جان من، می‌مانی ای وطن... به زیر پا فتد آن دلی که بهر تو نلرزد... شرح این عاشقی ننشیند در سخن...»

اشک از چشم‌های راننده می‌ریزد... آرام و بی‌صدا... پشت چراغ قرمز، عینکش را برمی‌دارد و با دستمال پاک می‌کند. در دل من نیز طوفانی به پا شده؛ بغض راه گلویم را بسته. دلم می‌خواهد همه‌چیز را فراموش کنم؛ اما مگر می‌شود آن دوازده روز را از یاد برد؟ آن همه پیکر شهدا... آن تابوت‌های پیچیده در پرچم... آن لبخندهای جامانده در عکس‌ها... آن سنگ‌های مزار را؟

کاش می‌شد تلخی روزهای جنگ را برای همیشه از دل تاریخ پاک کرد، اما نمی‌شود. شاید همین راننده که پیراهن خاکی‌رنگ به تن دارد، پدر، برادر، همکار یا خویشاوند یکی از شهدا باشد.

خوب می‌دانم که یاد و خاطره آن دوازده روز، برای همیشه در ذهن تک‌تک هم‌وطنانم باقی می‌ماند.

به مقصد نزدیک می‌شویم... گل‌ها را جمع می‌کنم، پرچم‌های کوچک را محکم در دست می‌فشارم. هنوز فکرم پی راننده است... می‌دانم بعد از پیاده شدن من، دوباره موسیقی نوری را پخش می‌کند و همان مسیر را می‌رود و برمی‌گردد... شاید هم مثل من در دلش بگوید: «ایران، تو تنها نیستی...»

در را باز می‌کنم و خودم را می‌سپارم به آغوش خیابان‌ها و بوی نسترن‌ها... چند قدم جلوتر، در قطعه شهدای جنگ دوازده روزه... تک‌تک گل‌ها و پرچم‌ها را کنار مزارها می‌گذارم... حالا انگار از تمام بلندگوها، مداحی حاج محمود کریمی به گوش می‌رسد: «ای میهن خدایی، صحن امام رضایی؛ ایران ذوالفقار و ایران عاشورایی... خاکت آغشته شد با بوی کربلا...»

چقدر پیر شدی؟

چقدر شبیه هم‌اند این دو مرد میدان

حسن و محمد را می‌گویم.

شاید! وقتی همدیگر را در بهشت ملاقات می‌کنند حسن‌آقا با تعجب بپرسد:

- محمد! چقدر پیر شدی داداش؟

ابوالقاسم محمدزاده(الف.م)

چه‌خبر؟

نجمه*، ای بانوی طبیعت‌دوست، این دلنوشته‌ای است برای تو...

دستان تو را از من جدا کردند. به خاکستر نشاندنم، با این دود و آتش سال‌هاست آشنایی دارم... من همان طبیعت وحشی هستم که تو با عشق بر تن چهار فصلم قدم می‌گذاشتی.

تو رفتی و دریای خون از چشمانم جاری شد... و حالا، ما با خشم انتقام می‌گیریم. موشک‌ها و پهپادها را این بار با سرعتی بیشتر به تل‌آویو سوق می‌دهیم. می‌خواهیم انتقام رد پایت را بگیریم.

نجمه من، تو شمس بودی و من قمر. چطور دوچرخه‌ات را گوشه دلم جا گذاشتی و رفتی؟ مگر قرار نبود با هم تا آن‌سوی مرزها برویم... گرچه تو پای قرار ماندی، به آن‌سوی مرزها رفتی و از این جهان پردرد رها شدی.

روحت شاد، نجمه من.

نادیا درخشان‌فرد

* شهیده «زهرا (نجمه) شمس‌بخش» بانویی ورزشکار و عاشق طبیعت بود. او ۲۳ خرداد امسال در حمله رژیم صهیونیستی به شهادت رسید.

حجاب؛ نماد مقاومت

الهام موسوی

در روزگاری که هجمه‌های فرهنگی و رسانه‌ای مرزهای ملی و اعتقادی را درمی‌نوردند، گاهی یک جمله کوتاه می‌تواند پنجره‌ای به سوی نگاهی ژرف‌تر بگشاید. رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، در دیدار با مردم قم (۱۹ دی ۱۴۰۱) درباره مسئله کشف حجاب فرمودند: «بی‌حجابی فقط نافرمانی شرعی نیست، بلکه حرام سیاسی است.»

اگر با این جمله به‌طور سطحی مواجه شویم، ممکن است آن را صرفاً یک شعار سیاسی بدانیم. اما اگر در آن تأمل کنیم، لایه‌های عمیق‌تری از معنا، از جمله ابعاد فرهنگی، تمدنی، و حتی امنیتی در آن آشکار می‌شود. این عبارت، ما را دعوت می‌کند تا از نگاه فردی و شخصی به حجاب عبور کرده و آن را در چارچوب منازعات فرهنگی و سیاست‌های نرم جهانی بررسی کنیم.

در این نگاه، دیگر نمی‌توان بی‌حجابی را فقط یک انتخاب شخصی دانست. در دنیایی که رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و الگوهای زیبایی برآمده از فرهنگ مصرف‌گرایی، مدام ارزش‌های خاصی را ترویج می‌کنند، تصمیم‌گیری افراد به‌شدت تحت‌تأثیر این جریان‌ها قرار دارد. بنابراین، دفاع از «انتخاب آزاد» برای بی‌حجاب بودن، بدون درک این زمینه‌ها، در واقع ساده‌سازی مسئله و نادیده گرفتن ساختارهای هدایتگر فرهنگی است.

تعبیر «حرام سیاسی» را باید در بستر نبرد فرهنگی و جنگ روایت‌ها فهم کرد. حجاب، در چنین میدانی، تنها یک پوشش نیست، بلکه به نماد مقاومت فرهنگی و تمایز هویتی تبدیل می‌شود. وقتی یک رفتار فردی، حتی بدون نیت سیاسی، در میدان رقابت ارزش‌ها حامل پیام سیاسی می‌شود، دیگر تأثیر آن صرفاً شخصی نیست. در چنین شرایطی، بی‌حجابی می‌تواند به تضعیف انسجام فرهنگی و تقویت پروژه‌های فرهنگی دشمن بینجامد. این همان معنایی است که اصطلاح «حرام سیاسی» به آن اشاره دارد: عملی که در ظاهر، تخلفی شخصی است اما در باطن، می‌تواند به تضعیف بافت اجتماعی و هویتی یک ملت کمک کند.

با این حال، باید مراقب بود که این مفهوم به دام کلی‌گویی نیفتد. نه هر زن بی‌حجاب عامل دشمن است، و نه هر زن باحجاب، الزاماً نماینده گفتمان دینی. آنچه مهم است، شناخت شرایط اجتماعی‌ای است که باعث می‌شود یک رفتار ساده، ناخواسته به معنای سیاسی برسد. بنابراین، نباید افراد را سطحی داوری کرد؛ بلکه باید به تحلیل بسترهایی پرداخت که این کنش‌ها را معنادار می‌کنند.

در عین حال، یک تأمل مکمل نیز قابل طرح است. اگر بی‌حجابی، به دلیل بهره‌برداری دشمن، «حرام سیاسی» تلقی می‌شود، آیا درست است که حجاب هم به ابزاری برای وفاداری سیاسی یا امتیاز اجتماعی تبدیل شود؟ اگر حجاب نه از ایمان و آگاهی، بلکه از ترس یا فشار نشأت بگیرد، آنگاه معنا و تأثیر خود را از دست خواهد داد. ارزش، زمانی ماندگار می‌شود که از درون بجوشد، نه آنکه از بیرون تحمیل شود.

از این زاویه، برخورد ساختارهای رسمی با مسئله حجاب باید با دقت و درک فرهنگی همراه باشد. تقلیل دادن این موضوع به یک مسئله انتظامی، بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی، روانی و نسلی، نتیجه‌ای جز بی‌اعتنایی و شکاف بیشتر به‌دنبال نخواهد داشت. حجاب، اگر همراه با درک و اختیار نباشد، تبدیل به پوسته‌ای توخالی می‌شود که ممکن است حتی برخلاف پیام اصلی دین عمل کند.

از سوی دیگر، تاریخ فرهنگی جهان اسلام نشان می‌دهد که زنان همیشه در مرکز هجوم پروژه‌های فرهنگی بوده‌اند. نه به‌خاطر نقش زیستی‌شان، بلکه به دلیل نقش کلیدی در انتقال ارزش‌ها، تربیت نسل، و بازتولید هویت. اما تأکید یکجانبه بر نقش مادری یا مراقبت‌گری، تصویر زن مسلمان را ناقص می‌سازد. زن امروز، علاوه‌بر این نقش‌ها، کنشگری اجتماعی و فرهنگی است. اگر قرار است حجاب نماد مقاومت باشد، باید تصویر زن آگاه، فعال و انتخاب‌گر نیز در کنار آن دیده شود. در همین زمینه، حرکت‌های خودجوشی چون «دختران انقلاب» نیز نشان می‌دهند که کنشگری فرهنگی در زمینه حجاب، تنها محدود به رسانه‌های رسمی یا سیاست‌های کلان نیست. زنانی که بدون الزام و اجبار، با رویکرد محبت‌آمیز، تعامل چهره‌به‌چهره و زبان دعوت، تلاش می‌کنند معنای مثبت و آگاهانه‌ای از حجاب ارائه دهند، نقشی بی‌بدیل در بازسازی پل‌های ارتباطی ایفا می‌کنند. این‌گونه کنش‌ها، اگر مبتنی بر احترام و گفت‌وگو باشند، می‌توانند جلوه‌ای از اعتماد به نفس فرهنگی و ظرفیت نرم گفتمان دینی باشند.

برای مواجهه با پدیده بی‌حجابی نیز باید نگاهی واقع‌گرایانه‌تر داشت. بسیاری از زنان بی‌حجاب، لزوماً انگیزه سیاسی ندارند، بلکه انتخاب‌شان از دل تجربه‌های پیچیده و زیسته شخصی‌شان برمی‌آید. حذف آنها از گفت‌وگوی فرهنگی یا نادیده گرفتن‌شان، تنها دوگانه‌ای مخرب میان «خودی» و «غیربه‌خودی» می‌سازد که بیشترین آسیب را به گفتمان دینی وارد می‌کند. راه‌حل، گفت‌وگو، همدلی و اقناع است؛ نه حذف و طرد.

با این حال، تجربه اجتماعی ایران نشان می‌دهد که هر زمان موضوع حجاب صرفاً به عرصه قانون و نظم عمومی تقلیل یافته، نه‌تنها از اثربخشی آن کاسته شده، بلکه گاه به شکل‌گیری مقاومت روانی و دافعه نسبت به اصل ارزش‌ها انجامیده است. امروزه، با کاسته شدن از برخوردهای سلبی، فرصت تازه‌ای برای گفت‌وگوی فرهنگی، شنیدن صداهای مختلف، و بازتعریف حجاب در ذهن و زبان نسل جدید فراهم شده است؛ فرصتی که اگر با تدبیر و رویکرد همدلانه همراه شود، می‌تواند به بازیابی معنای اصیل حجاب کمک کند.

در مقابل، تجربه‌ها نشان می‌دهد هرجا فضا برای گفت‌وگوی فرهنگی، انتخاب آگاهانه و مشارکت فعال زنان فراهم بوده، حجاب توانسته معنا، قدرت و جذابیت فرهنگی خود را حفظ کند. زن محجبه، زمانی کنشگر عرصه فرهنگ است که بداند چرا این پوشش را انتخاب کرده، و چگونه می‌تواند از آن برای انتقال پیام کرامت و معنویت استفاده کند.

در نهایت، تبیین «حرام سیاسی» بودن بی‌حجابی، فرصتی است برای بازاندیشی فرهنگی در نسبت میان ظاهر و باطن دین، فرد و جامعه، و مقاومت و هویت. این سخن، اگر درست فهمیده شود، ما را به مسئولیتی عمیق‌تر فرا می‌خواند؛ نه برای قضاوت، بلکه برای اقناع، همراهی و بازسازی فرهنگی.